

گزارش



نگاهی کوتاه به آثار علی اکبر لطفیان در عرصه شعرآیینی

شاعری که از هیأت برخاست و برای اهل بیت (ع) سرود

گروه فرهنگی/ در میان شاعرانی که در حوزه آیینی کار می‌کنند، آثار علی اکبر لطفیان به لطف هیأتی‌ها بیش از دیگر شاعران مردمی شده است؛ شاعری که در دهه ۸۰ از او به عنوان یکی از پدیده‌های این عرصه یاد می‌کردند و به آئینده کاری‌اش امید بسته بودند. لطفیان شاعری است که نوجوانی و جوانی‌اش در همین جمع‌های مذهبی و هیأت‌های عزاداری سپری شد و همین حضور بود که شوق شعر گفتن برای سیدالشهدا(ع) و اهل بیت را در او برانگیخت.

تلفیقی از شعر با آموزه‌های دینی و پژوهش‌های تاریخی

سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ با وقوع تحوّل در شعر آیینی، بویژه سروده‌هایی همراه شد که از سوی مداحان و هیأتی‌ها در ایام عزاداری اهل بیت (ع) مورد استفاده قرار می‌گرفتند؛ دوره‌ای که فعّالان این عرصه متوجه ضرورت پرداختن به قالب‌های شعری نوین در جذب نسل جوان به آموزه‌های دینی و سوگوارها شدند. سروده‌های علی اکبر لطفیان هم در چنین اوضاع و احوالی بود که بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت چراکه ضمن توجه به قالب‌های کلاسیک از نیاز روز نیز غفلت نکرده بود.

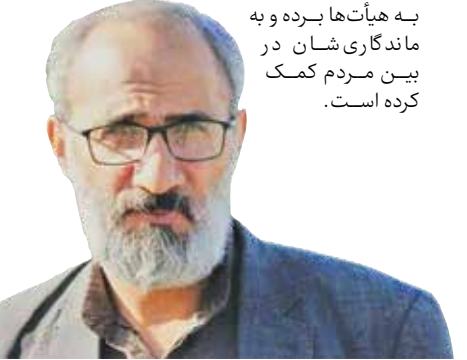
سال‌های نوجوانی و جوانی این شاعر کشورمان در هیأت‌ها و مراسم‌های مذهبی سپری شده، رفت‌وآمدهایی که در نهایت شوق شعر سراییدن برای اهل بیت (ع) را در او برانگیخت. بخشی از موفقیت لطفیان را در جلب توجه مداحان و منتقدان ادبی به اشعارش، می‌توان در نزد تحصیلات مذهبی‌اش نیز جست‌وجو کرد؛ رد پای آموزه‌های حوزوی وی را می‌توان در مضامین عمیقی که در اشعارش استفاده کرده است نیز دید چراکه تأثیر مطالعات و پژوهش‌های تاریخی-دینی لطفیان در سروده‌هایی که در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌داد هم دیده می‌شود.

همان‌طور که اشاره شد لطفیان را می‌توان از نسلی دانست که خواستار استفاده از زبانی نو در شعر هیأت بودند؛ شاعرانی که می‌دانستند برای جوانانی که شعر سپید و نیمایی خوانده‌اند نمی‌توان به بیانی قدیمی شعر گفت و نوحه خواند و آنان را جذب کرد. در این بین لطفیان نه تنها موفق به کسب مقبولیت جامعه مذهبی شد بلکه میان جوان‌ترها و از سویی مداحان نیز به نامی شناخته شده تبدیل شد. شعری به دلایلی از جمله پرهیز از تکلفات آرایه‌ای زبانی ساده دارد، سلامت محتوای سروده‌های او را هم می‌توان نشأت گرفته از مطالعات دینی‌اش دانست که خیلی زود به کسب مقبولیت اجتماعی میان جامعه مذهبی و اهالی ادبیات انجامید.

انتشار چند مجموعه شعر برای علاقه‌مندان

این شاعر آیینی تا پایان دهه ۸۰ موفق به انتشار دو مجموعه شعر به نام‌های «سه نقطه» و «تولیت آدم، شد که اولی سال ۱۳۸۶ (دومی نیز سال ۱۳۹۰ در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. انتشار کتاب «سه نقطه» بود که توجه اهالی شعر و بویژه مداحان را به وی جلب کرد و به آئینده او ابزار امیدواری کردند. تنوع آوزان و مضامین منبعث از آیات و روایات را نیز می‌توان از مهم‌ترین مؤلفه‌های اشعار کتاب دوم وی به شمار آورد. از آخرین آثار منتشر شده‌اش نیز می‌توان به کتاب «داریم با حسین حسین پیر می‌شویم» اشاره کرد که سال ۱۳۹۳ روانه بازار نشر شد.

«آفتاب قیامت» درباره امام حسین (ع)، «هرای کربلا» درباره حضرت زینب(س)، «التماس آب‌ها» درباره حضرت عباس(ع)، «بوی چادر زهره» درباره امام حسین (ع) و «خورشید کربلا» درباره حضرت علی اکبر(ع) عناوین برخی سروده‌های لطفیان هستند و جواد حیدری هم از جمله مداحانی است که با صدای خود اشعار این شاعر اهل بیت (ع) را به هیأت‌ها اهل برده و به ماندگاری‌شان در بین مردم کمک کرده است.



محمد قاسم پور در گفت‌وگو با «ایران» از تجربه کارگردانی «صحنه آخر» می‌گوید

تعزیه‌ای که تمام نمی‌شود



گفت و گو

در منطقه حبصیرآباد اهواز تعزیه‌ای اجرا می‌شود که سال‌هاست صحنه پایانی آن اجرا نشده است. هر سال در این تعزیه شمر که به گودال قتلگاه می‌رسد مردم چنان عواطف‌شان برانگیخته می‌شود که اجازه نمی‌دهند صحنه شهادت امام حسین (ع) اجرا شود. مستند «صحنه آخر» که به تازگی در گروه هنر و تجربه اکران شده، تصویری از ارادت مردم این منطقه به امام حسین (ع) و تبلور و غلبان احساسی آنها در بستر تعزیه است.

حدیث مکر عشق

«دوستانی که در اهواز ساکن هستند برای من از تعزیه‌ای تعریف کردند که به جز ویژگی‌های خاص دو زبانه بودن و حضور بیش از ۱۰ هزار تماشاگر برای آن، شاخصه خاص‌اش این است که مردم در اجرای آن مذاخله دارند و صرفاً بیننده نیستند. از یک جایی به بعد وارد پرده می‌شوند و ماجرا را عوض می‌کنند. سال‌های سال است که در صحنه آخر بخصوص، این اتفاق تکرار می‌شود.» گوینده این عبارات محمد قاسم پور، کارگردان و تهیه‌کننده «صحنه آخر» است. او درباره چگونگی رسیدن به ایده ساخت این مستند به «ایران» توضیح می‌دهد و در ادامه می‌افزاید: «با شنیدن این روایت، تصمیم گرفتم این رویداد را مستقیم و از نزدیک ببینیم. رقتیم و با سوژه مسأله درام در این واقعه و زیرمجموعه‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی آن برابم جذاب شد.»

او که برای ساخت این مستند حدود سه سال موضوع را پیگیری کرده و با تماشاگران هر ساله این تعزیه به گفت‌وگو نشست است، در ادامه می‌افزاید: «تجربه‌کنندگان تماشا می‌کنند و یکسری روایات و خاطرات شخصی سعی کردیم همه را بشنویم و آنها را که مناسب ماجرا و روایت ما بود در دل کار بیاوریم.»

قاسم‌پور به این سؤال که آیا موضوعی در فیلم بخصوص در صحنه غلبان احساسات مخاطب بازسازی شده یا ساختگی نیست، پاسخ می‌دهد: «تنها جایی که حتی به این مسأله فکر نکردیم همین‌جا بود. چون اصلاً چیزی در اختیار کسی نیست. ۱۰ هزار نفر در گرم‌ترین ساعت ظهر، زیرآفتاب داغ عزاداری می‌کنند، با آن روضه شنیدن‌ها، تصویر کردن آنچه شنیده‌اند برایشان سخت است و با دیدن تعزیه به لحاظ عاطفی چنان درگیر می‌شوند که نمی‌توانند متغّل باشند.»

او درباره اینکه آیا این واکنش تبدیل به رویکرد و عادت شده، یا اینکه جوش احساسات هر ساله چنین واکنشی را به همراه دارد، توضیح می‌دهد: «من نمی‌توانم مرزش را مشخص کنم. آن چیزی که در تصاویر آرشیو هر سال دیدم جوش و خروش این احساسات است. از نگاه جامعه‌شناسی هم به گفته یکی از بزرگواران این عرصه استناد می‌کنم مبنی بر اینکه ایرانی‌ها نمی‌خواهند قهرمان‌شان شکست بخورد حتی در ظاهر. شاید مسائل زیرمتنی وجود داشته که من نتوانسته‌ام به آن بپردازم اما آنچه من دیدم حضور فعّالانه و بدون برنامه‌ریزی شده بود. آنچه در این صحنه غالب است احساسات مذهبی مردم است.»

عشق به حسین (ع) و رنج شمر خوان بودن

«صحنه آخر» در عین حال ادای دینی به «تعزیه» به‌عنوان هنر نمایشی است که سال‌ها توانسته مخاطب را به لحاظ بصری به واقعه کربلا نزدیک کند، قاسم‌پور در این باره

کار را انجام می‌دهند. بزرگتریایی که تجربه و نگاه هنری‌تری دارند در انتخاب نقش‌ها و نوع روایت و اجرا راهنمایی‌شان می‌کنند.»

تعزیه خوان‌ها و عشق به فوتبال

علاوه بر مسأله درام در این واقعه، زیرمتن‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی از شاخصه‌های این مستند است. کارگردان «صحنه آخر» در این باره می‌گوید: «فیلمساز باید مطالعات مردم‌شناسی داشته و اهل جامعه‌شناسی باشد تا این مؤلفه‌ها را ببیند و در فیلمش بیاورد. برایم مهم بود وقتی تعزیه را می‌بینیم آن مردم را هم بشناسیم. با باورهایشان، نگاهشان و چهارچوب‌هایشان آشنا شویم. این قصه در جغرافیای ذهنی و حضوری این مردم اتفاق می‌افتد. دو زبانه است و با جامعه‌ای طرف هستیم که از مرکز دور است اما همان‌طور که در فیلم هم می‌بینیم در صحنه‌ای بازیگرهای تعزیه کنار هم نشسته و فوتبال تیم ملی را نگاه می‌کنند. برایم مهم بود نشان دهم که این قومیت در آن مرز خاص، حتی در روزی که تیم ملی ایران با یک تیم عربی بازی دارد، پای مسابقه می‌نشینند و طرفدار تیم ملی ایران است. به اندازه خود تعزیه نشان دادن این شناسه‌ها برایم مهم بود.»

او در عین حال در بخش دیگری از صحبت‌هایش می‌افزاید: «در مستندسازی هر چه صحنه‌ها بزرگتر باشد از سخت‌ترین کارها همین است که از چه چیزهایی بگذری و آن در کنار بگذاری. به‌عنوان مثال تعزیه در حال اجراست و شمر در گوشه‌ای سیگار می‌کشد. یکی از اولیا و نقش مثبت‌خوان‌ها گرمزده شده و حالتش بد می‌شود. یکی گریه‌اش گرفته و نمی‌تواند ادامه دهد و از آن سوی زن شمر در حال دعا و نیایش است. در تماشاگرها عده‌ای از حال رفته‌اند و... باید ببینی کدام یک از اینها به قصه کمک می‌کند.»

عشق حسین (ع) ما را گرد هم جمع می‌کند

محمد قاسم پور، درباره آورده و اندوخته ساخت این مستند برای مستندساز می‌گوید: «این فیلم، فیلم امام حسین (ع) است. ما برای ساخت مستند هیچ حامی نداشتیم. فیلم خودش جلو آمد و خیلی از عوامل رایگان کار کردند. در اهواز همه هزینه‌های تولید رایگان شد چون ما را میهمان خودشان می‌دانستند. بخشی از این آورده برای من معنوی است و نمی‌شود راجع به آن صحبت کرد. بخش دیگر تجربه کاری جدید است. ما در برهه زمانی فقط ۱۰ روزه، فرصت فیلمبرداری داشتیم، یک روز در سال این اتفاق خاص می‌افتد. همه اینها باعث شد من سه سال و گروهم دو سال در مسیر تهران و اهواز باشم. ضمن حفظ رکورد حسی نسبت به موضوع کار سختی بود؛ امیدوارم از پس کار برآمده باشم.»

باید نقش منفورترین دشمن امام ملی و آیینی است. همیشه از تلاش‌ها و هزینه‌های اختصاص یافته برای توسعه هنرهای ملی و سبک زندگی ملی دینی می‌شنویم اما از چنین بستر و سبزی‌ها غافل هستیم. تعزیه علاوه بر تقویت باورهای دینی عامل اشاعه فرهنگ و نمایش در جامعه است. تعزیه همزیستی جذاب دین و هنر است.» در «صحنه آخر» دوربین قاسم‌پور با شخصیتی که نقش شمر را بازی می‌کند همراه شده، به حواشی اجرای این تعزیه پرداخته و در انتها، احساسات بازیگران این عرصه استناد می‌کنم مبنی بر اینکه ایرانی‌ها نمی‌خواهند قهرمان‌شان شکست بخورد حتی در ظاهر. شاید مسائل زیرمتنی وجود داشته که من نتوانسته‌ام به آن بپردازم اما آنچه من دیدم حضور فعّالانه و بدون برنامه‌ریزی شده بود. آنچه در این صحنه غالب است احساسات مذهبی مردم است.»

باید نقش منفورترین دشمن امام ملی و آیینی است. همیشه از تلاش‌ها و هزینه‌های اختصاص یافته برای توسعه هنرهای ملی و سبک زندگی ملی دینی می‌شنویم اما از چنین بستر و سبزی‌ها غافل هستیم. تعزیه علاوه بر تقویت باورهای دینی عامل اشاعه فرهنگ و نمایش در جامعه است. تعزیه همزیستی جذاب دین و هنر است.»

در «صحنه آخر» دوربین قاسم‌پور با شخصیتی که نقش شمر را بازی می‌کند همراه شده، به حواشی اجرای این تعزیه پرداخته و در انتها، احساسات بازیگران این عرصه استناد می‌کنم مبنی بر اینکه ایرانی‌ها نمی‌خواهند قهرمان‌شان شکست بخورد حتی در ظاهر. شاید مسائل زیرمتنی وجود داشته که من نتوانسته‌ام به آن بپردازم اما آنچه من دیدم حضور فعّالانه و بدون برنامه‌ریزی شده بود. آنچه در این صحنه غالب است احساسات مذهبی مردم است.»

فرهنگی

فرهنگ



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

فرهنگ عاشورایی نقطه وفاق و همدلی همه مردم است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در خیمه هنرهای عاشورایی میدان هفتم تیر با بیان اینکه موضوع عاشورا و مکتب امام حسین (ع) و کریم‌الأمینخته با فرهنگ و هنراست، افزود: روایتگری همه جلوه‌های عاشورا به نوعی با هنر، سرودن اشعار، نوحه‌سرایی‌ها، موسیقی و آثار تجسمی صورت گرفته است. با ورود هنرهای مدرن و تغییر فضای عمومی طی سال‌های اخیر نگرانی‌هایی مبنی بر به فراموشی سپردن برخی آیین‌های عاشورایی ایجاد شده بود که خوشبختانه با ابتکار عمل سازمان زیباسازی شهر تهران در حفظ و احیای هنرهای کهن عاشورایی طی دو سال اخیر بسیاری از آیین‌های مذهبی و سوگواری ایام محرم بازآفرینی شده است.

وزیر فرهنگ از خیمه هنرهای عاشورایی به‌عنوان محفلی برای اثبات عمق مردمی فرهنگ عزاداری سیدالشهدا یاد کرد و افزود: چنانچه خیمه هنرهای عاشورایی در پلازای میدان شهدای هفتم تیر به‌عنوان یکی از مراکز پرتردد شهری پایتخت که شهروندان با سلیقه‌ها و تفاوت دیدگاه‌هایی مختلف در آن حضور دارند این پیام را می‌رساند که فرهنگ عاشورایی نقطه وفاق و همدلی همه مردم کشورمان است.

احیای بنیاد فرهنگ و هنر آذربایجان را با جدیت دنبال می‌کنیم

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین در نشست هیأت امنای بنیاد فرهنگ، هنر و ادب آذربایجان گفت: نقش آذربایجان در ساخت فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی همواره تعیین‌کننده بوده و وقتی از آذربایجان صحبت می‌کنیم ادبیات ما، ادبیات انسجام و همگامی ملی در ایران است. آذربایجان نقش مهمی در منطقه قفقاز شمالی و جنوبی دارد. در تاریخ پیش و پس از اسلام و همچنین تاریخ معاصر ایران شخصیت‌های بزرگ خطه آذربایجان همواره منشأ حرکت‌های روز به جلو و پیروزی انقلاب اسلامی بوده‌اند. مرزهای فرهنگی آذربایجان فراتر از مرزهای سیاسی همه کشورهای اطراف را درنوردیده و نگاه ما به ایران، به‌عنوان کشوری است که مرزهای فرهنگی قدرتمندی دارد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به تاریخ ایران اسلامی و منطقه آذربایجان و نقش پادشاهان صفوی همچون شاه اسماعیل در ایجاد وحدت ملی و تشکیل کشور متحد ایران اشاره کرد و گفت: ما پیش از کشورهای اروپایی و غربی در ایران دولت متحد داشتیم که باید در این زمینه به‌طور جدی اقدامات تبلیغاتی شود. اسماعیلی درباره احیای بنیاد فرهنگ و هنر آذربایجان تصریح کرد: اهتمام و توجه به این امر در جایگاه خود در حال پیشرفت است. نمی‌توان فرهنگ را به جغرافیای سیاسی محدود و محصور کرد و باید در این حوزه اقدامات جدی صورت گیرد.

اهمیت احیای مفاخر و میراث فرهنگی آذربایجان

وزیر فرهنگ همچنین بر ضرورت ارتباط اعضای هیأت امنای بنیاد فرهنگ و هنر آذربایجان با سازمان آثار و مفاخر فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای کار در زمینه تبلیغ و برجسته کردن مفاخر فرهنگی خطه آذربایجان نیز تأکید کرد و گفت: احیای مفاخر و میراث فرهنگی این منطقه مهم فرهنگی کشور باید با کارهایی مثل تجدید چاپ متون قدیمی آغاز شود.

در بسیاری از کشورها نداشته‌های تاریخی هم برجسته می‌شود، بنابراین ما باید داشته‌های فرهنگی تاریخی خود را به جهانیان معرفی کنیم. البته پروژه‌های فرهنگی از جمله جاده حکمت در همدان و زنجان و مناطق فرهنگی خوی و خراسان از جمله برنامه‌های آغازکننده در این زمینه است؛ ولی به کارهای جدی‌تر در این زمینه نیاز داریم.

اسماعیلی گفت: وزارت فرهنگ در دوره جدید به‌دنبال احیای مفاخر و میراث فرهنگی کشور است و با ورود همه مسئولان مرتبط سعی دارد در این حوزه پروژه‌های فرهنگی جدی از جمله احیای بنیاد فرهنگ و هنر آذربایجان را در سیاست‌های خود دنبال کند.

